

De : E Houshmand [<mailto:m.e.houshmand47@gmail.com>] Envoyé : vendredi, 28. septembre 2012 08:10
Objet : undisclosed-recipients: مقاله

سلام لطف فرمایید به نحو مقتضی باز نشر فرمایید با سپاس

زخم‌هایی بر پیکر مناطق کردنشین غرب

احسان هوشمند

این مقاله به پاس عمری تلاش برای آزادی و آبادانی ایران به روان دوست گرانقدرم زنده‌یاد مهندس سیدمحمد وحید میرزاده تقدیم می‌شود.

پس از گذشت سی‌سال حتی برای شناسایی این واقعیت چه گام‌هایی برای التیام زخم‌هایی که بر مناطق کردنشین غرب کشور وارد شد، برداشته شده است؟ به حال خود رهاکردن ضایعاتی از این دست، به صورت نوعی خوش‌خیالی بر این فرض که گذشته‌ها گذشته، جز دعوت به مشکلات بیشتر در مراحل بعد هیچ نتیجه‌ای نداشته و ندارد.

بخش‌هایی از غرب ایران محل سکونت اقوام و ایلات گرد است و قسمت‌هایی از آن حدود در سال‌های پس از پیروزی انقلاب با مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بوده است. انقلاب دگرگونی سریع ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و نظامی کشور را در پی داشت. در پی درهم‌ریختگی نظم پیشین در برخی از مناطق کشور چالش‌ها و مسائلی ظهور و بروز کرد که نتایج دردناکی به دنبال داشت. درگیری‌های نظامی میان احزاب مستقر در منطقه کردنشین، همچون احزاب دموکرات، کومله، چریک‌های فدایی خلق اقلیت، رزگاری، پیکار و...، که عموماً دارای گرایش‌ها و ایدئولوژی‌ی چپ سوسیالیستی و مارکسیستی بودند با دولت تازه استقرار یافته، یکی از این مسائل بود. این درگیری‌ها از سال ۱۳۵۷ تا اواخر دهه ۱۳۶۰ استمرار یافت در این دوره ۱۰-۱۲ ساله و از این رهگذر خسارت‌های سنگین انسانی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری بر منطقه و کشور وارد آمد. البته درگیری‌های داخلی میان خود احزاب رقیب در منطقه نیز بر ابعاد این خسارت‌ها افزود. از دیگر سو با آغاز جنگ عراق با ایران همچون سایر نقاط جنگ‌زده کشور، تلفات و خسارت‌های سنگینی بر شهروندان چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام وارد شد. در این مقاله تلاش می‌شود ابعاد خسارت‌های انسانی مورد بحث در قالب چهار بخش ذیل به بحث گذاشته شود:

۱- قربانیان جنگ ایران و عراق

۲- تلفات انسانی نیروهای اهل منطقه به دلیل مقابله با احزاب مستقر در این مناطق

۳- تلفات گروه‌های فعال در مناطق کردنشین

تلفات انسانی درگیری‌ها و جنگ در حوزه کردنشین غرب کشور

۱- قربانیان جنگ ایران و عراق

جنگ و درگیری‌های نظامی میان دو کشور، و یا میان چند کشور با یکدیگر همچون جنگ‌های جهانی، و یا درگیری‌های نظامی میان یک دولت با بخشی از جریان‌های مخالف و یا میان جریان‌های رقیب سیاسی، یکی از موضوع‌های مورد توجه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روانشناسی و سایر علوم اجتماعی است. در جامعه‌شناسی، جنگ و درگیری‌های خونین نظامی مورد توجه طیف وسیعی از نظریه‌پردازان مکاتب گوناگون جامعه‌شناسی و نیز نسل جدید جامعه‌شناسان قرار گرفته است. ابعاد مختلف جنگ همچون بعد و نوع درگیری‌های نظامی، سبک جنگ، ابعاد اقتصادی، جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و انسانی و نیز پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت آن، از جمله مضامینی است که توجه جامعه‌شناسان این حوزه را به خود معطوف ساخته و تلاش‌های نظری و پژوهشی بسیاری را سامان داده است. [۱]

جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب، درگیر جنگی تمام عیار و ناخواسته با دولت عراق شد. این جنگ و مسائل مرتبط با آن، مورد توجه گروه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. اگر چه هنوز پس از گذشت بیش از ۳۱ سال از شروع جنگ و ۲۳ سال از پایان آن، ابعاد مختلفی از پیامدهای جنگ و درگیری خونین نظامی میان ارتش متجاوز عراق و نیروهای کشور در برخی رساله‌های علمی و نیز آثار هنری و سینمایی مورد توجه قرار می‌گیرد، ولی موضوع هزینه‌های تحمیلی این جنگ از لحاظ اجتماعی و اقتصادی و نیز هزینه‌های انسانی آن از موضوع‌هایی است که می‌تواند و باید بیش از گذشته مورد تأمل و دقت نظر اهل پژوهش و تحقیق قرار گیرد.

جنگ هشت ساله ایران و عراق بیش از هر نقطه دیگر از کشور، به صورت مستقیم تأثیر خود را بر ساختار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی استان‌های مرزی همجوار با کشور عراق گذاشت. استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی بیشترین تأثیرها و آسیب‌ها را متحمل شدند. هر چند این سخن بدان معنا نیست که کل کشور حتی شرقی‌ترین استان‌های کشور و دورافتاده‌ترین روستاهای کشور از تأثیرات جنگ دور بوده‌اند. در هر روستای دوردستی از اقصی نقاط کشور می‌توان محل دفن شهدایی را دید که با پرچم برافراشته ایران، برای هر بیننده‌ای سال‌های پرحادثه جنگ را تداعی کند.

جنگ به صورت مستقیم زندگی شهروندان مناطق غربی کشور را تحت‌تأثیر قرار داد. بخش‌هایی از استان‌های ایلام و کرمانشاه در همان اوایل جنگ اشغال شد. شهرستان‌های قصرشیرین، مهران، دهلران و سرپل‌ذهاب از جمله شهرهایی هستند که به علت اشغال دشمن صدمات شدیدی دیدند. هزاران شهروند این مناطق آواره شدند و سال‌های زندگی را در اردوگاه و یا در شهرهای اطراف با سختی و مشقت تجربه کردند. سایر شهرها نیز به علت آتش توپخانه و یا خمپاره‌های دشمن و یا بمباران هوایی و موشک‌پرانی نیروهای عراقی به

سرعت از جمعیت خالی شدند و امواج وسیع آوارگان از این شهرها عازم دیگر نقاط کشور شدند. متأسفانه تاکنون آمار موثق و دقیقی از میزان آوارگان جنگ هشت ساله منتشر نشده است. برخی از مناطق این استان‌های چهارگانه از نظر مظالم صورت گرفته توسط نیروهای عراقی تجارب منحصر به فرد و پردردی را پشت سر گذاشتند. نخستین نقطه جغرافیایی ایران که قربانی سلاح‌های شیمیایی عراق شد منطقه‌ای بین هلاله و نی‌خزر در ۵۰ کیلومتری غرب ایلام بود. بمباران شیمیایی ۷ تیر ۱۳۶۶ شهر سردشت با هزاران قربانی اعم از کشته یا زخمی، بمباران شیمیایی مناطق روستایی مریوان، بانه و زرده ریجاب کرمانشاه از دیگر نمونه‌های این جنایات علیه بشریت بوده‌اند که ایران معاصر و بخصوص چهار استان کردنشین آن تجربه کرده‌اند. افزون بر این، این مناطق یعنی استان‌های چهارگانه به دلیل جنگ و درگیری‌های خونین نظامی و ناامنی حاصل از آن، سهم کمتری از درآمدهای کشور را برای عمران و توسعه جذب کردند.

درباره میزان تلفات و قربانیان این استان‌ها در خلال دوره جنگ، متأسفانه آمار متقن و دقیقی موجود نیست و یا اگر در دسترس باشد تاکنون منتشر نشده است. جدول شماره ۱ با استفاده از آمارهای خامی تدوین شده که در سال ۱۳۸۱ توسط بنیاد شهید کشور و استان‌های مورد بررسی به صورت خام ارائه شده است. این جدول پس از جمع‌بندی توسط نگارنده این سطور، تعداد شهدای این استان‌ها را به تفکیک نشان می‌دهد. [۲]

آمارهای جدول شماره ۱ نشان می‌دهد در ۴ استان مورد بررسی ۱۷۰۵۵ نفر (نظامی و غیرنظامی) بر اثر حوادث مرتبط با جنگ به عنوان شهید شناخته شده‌اند و دارای پرونده هستند. اگر آمار شهدای کشور [۳] را که بر اثر جنگ به شهادت رسیده‌اند حدود ۱۸۸ هزار نفر بدانیم (آمار دیگری این رقم را ۲۱۳۲۵۵ اعلام کرده است [۴]) حدود ۹ درصد از کل آمار شهدای جنگ مربوط به چهار استان مورد بررسی است. این امر نشان می‌دهد رقم قابل‌توجهی از شهدای کشور که بر اثر جنگ قربانی شدند مربوط به استان‌های چهارگانه است. بسیاری از قربانیان نیز غیرنظامی بوده‌اند اعم از زنان، کودکان و دیگر افراد، که بر اثر بمباران یا موشک‌پرانی و گلوله‌باران ارتش عراق شهید شده‌اند. به علاوه استان‌های کردستان و آذربایجان غربی نیز یکی از بالاترین آمار زنان شهید را از جنگ به خود اختصاص داده‌اند. البته اگر این رقم را به آمار قربانیان ناشی از درگیری‌های اوایل انقلاب در این استان‌ها بیفزاییم، آن گاه معلوم خواهد شد که چه هزینه سنگینی توسط ساکنان این استان‌ها برای دفاع از ایران پرداخته شده است؛ وضعیت منحصر به فرد و خاصی که بویژه در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه قابل تحلیل و بررسی است. ابعاد دیگر این تحولات تأسف‌بار را باید در حوزه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و حتی روان‌شناختی مورد واکاوی قرار داد تا شاید بتوان گوشه‌ای از عمق خسارت‌ها، درد و رنج‌های مردم این سامان را به تصویر کشید. به هر حال آنچه در خلال این آمار چشمگیر شهدای جنگ در حوزه‌های کردنشین قابل مشاهده است این واقعیت است که استان‌های مرزی کردنشین سهم غیرقابل‌انکاری در دفاع از مملکت برعهده داشته و هزینه‌های سنگینی را نیز برای این پایمردی پرداخته‌اند. هزاران شهید جنگ اعم از مرد و زن، پیر و جوان و کودک، در این استان‌ها گواه روشن این داعیه هستند؛ امری که می‌توانست بیش از این مورد توجه قرار گیرد.

نمودار ۱ فراوانی شهدای استان‌های چهارگانه مورد بررسی در جنگ با عراق را نمایش می‌دهد.

نمودار ۱- فراوانی تفکیکی شهدای استان‌های کردنشین در جنگ

۲- تلفات انسانی نیروهای اهل منطقه به دلیل مقابله با احزاب مستقر در این مناطق

استان‌های مرزی کردستان، آذربایجان غربی و تا حد کمتری کرمانشاه و ایلام افزون بر جنگ هشت‌ساله با عراق، از بعد دیگری هم متحمل خسارت زیادی شدند، [۵] چرا که مدت‌ها پیش از آغاز جنگ ایران و عراق و از فردای پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ این مناطق با درگیری‌های خونینی روبرو بودند. این درگیری‌ها میان برخی احزاب سیاسی چپ و کمونیست و نیز احزاب محلی مستقر در بخش‌هایی از مناطق کردنشین با نیروهای دولتی [۶] اعم از ارتش و سپاه و نیروی انتظامی (ژاندرمری سابق) و نیز نیروی محلی مقابل گروه‌ها یعنی سازمان پیشمرگان مسلمان کرد و یا میان احزاب رقیب مستقر در این حوزه جریان داشت. [۷] از این رو، هزینه‌ها و خسارت‌های وارده به این مناطق در مقایسه با سایر نقاط کشور باید به صورتی مستقل مورد بررسی قرار گیرد.

بنابر آماري که سال ۱۳۸۱ از بخش آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی و به صورت خام به دست آمد بر اثر درگیری‌های نظامی میان نیروهای دولتی با گروه‌های مسلح و عموماً چپ مستقر در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه حدود ۱۱۴۶۶ نفر کشته شده و در بنیاد شهید کشور برایشان به‌عنوان شهید پرونده گشوده شده است. [۸] از این رقم (که البته میزان دقت آن مشخص نیست) حدود ۵۹۶۲ نفر از اهالی این استان‌ها بودند؛ به عبارتی دیگر ۵۲ درصد از شهدای ثبت شده ناشی از درگیری‌های خونین اوایل انقلاب در حوزه کردنشین غرب کشور، شهروندان کرد و یا بومی این استان‌ها بودند. بر این مبنا، می‌توان نتیجه گرفت که بیش از نیمی از تلفاتی که نیروهای چپ و کمونیست و دموکرات و کومله و سایر گروه‌های مستقر در منطقه وارد کرده‌اند متوجه مردم بومی و بویژه کردها بوده است.

از فردای پیروزی انقلاب، این درگیری‌ها در بخش‌هایی از مناطق کردنشین آغاز شد. [۹] شهربانی مهاباد در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ غارت شد و پادگان مهاباد نیز همزمان با خبر اعزام هیأتی از سوی دولت موقت به مهاباد در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ مورد حمله قرار گرفت. [۱۰] در شهر قروه نیز میان گروهی از شیعیان شهر با هواداران مسلح شیخ‌هادی هاشمی (یکی از مشایخ کردستان) درگیری خونینی روی داد. درگیری‌های سنندج نیز از اواخر اسفند ۵۷ شروع شد. از آن تاریخ تا سال ۱۳۶۸ یعنی حدود یک دهه درگیری‌هایی به صورت متناوب و با شدت و ضعف بین نیروهای احزاب با نیروهای دولتی و نیز سازمان پیشمرگان مسلمان کرد استمرار داشت. این درگیری‌ها باعث بروز خسارت‌های بسیار سنگین انسانی بر کل کشور و بویژه مناطق غربی کشور شد. تلفات انسانی گسترده، نابودی زیربنای اقتصادی، فرار سرمایه از

منطقه، خروج نیروهای متخصص از منطقه و مهاجرت بخشی از نیروی انسانی، گسترش شکاف دولت - ملت و... از جمله پیامدهای این درگیری‌ها بوده است.

جدول شماره ۱ در تأکید بر هزینه‌های سنگینی که این حوزه متحمل شده است، نشان می‌دهد از کل قربانیان درگیری‌های مناطق کردنشین کشور در اوایل انقلاب که در بنیاد شهید ثبت شده است، حدود ۷/۱۵ درصد یعنی ۱۸۰۲ نفر اهل استان کردستان، ۳۱۰۷ نفر یعنی ۲۷ درصد اهل استان آذربایجان غربی، و ۹۹۸ نفر یعنی ۷/۸ درصد اهل استان کرمانشاه بوده‌اند:

جدول شماره ۱: آمار قربانیان جنگ و درگیری‌های گروه‌های مسلح

نام استان	تعداد پرونده‌های ثبت‌شده در سال ۱۳۸۰ به‌عنوان شهید در بنیاد شهید	کل شهدای ثبت‌شده در بنیاد شهید (بدون شهدای پیش از انقلاب، شهدای مبارزه با قاچاق و یا کشته‌شدگان به‌دست اشراک و سایر حوادث)
	شهدای جنگ	شهدای ناشی از درگیری با گروه‌های مسلح
آذربایجان غربی	۵۲۴۹	۳۱۰۷
کردستان	۲۵۸۲	۱۸۰۲
کرمانشاه	۷۰۴۵	۹۹۸
ایلام	۲۱۷۹	۵۵
جمع کل	۱۷۰۵۵	۲۳۰۱۷

در جدول‌های بعدی آمار تفکیکی شهرستان‌های سه استان از چهار استان مورد بررسی، بر اساس تلفات یک طرف درگیری‌ها یعنی بخشی که در نهادهای دولتی و بنیاد شهید همان منطقه دارای پرونده هستند، ارائه شده است. برای نمونه، شهر ارومیه با ۸۰۲، سردشت با ۲۱۱، مهاباد با ۲۲۱ و نقده با ۳۸۴ پرونده ثبت شده در بنیاد شهید در استان آذربایجان غربی و نیز آمار ۵۵۸ نفر ثبت شده در سندج و ۲۲۳ نفر در سقز و ۳۳۱ نفر در مریوان و همچنین ۳۷۹ نفر در شهر کرمانشاه، ابعاد دیگر این وضعیت غم‌انگیز را به تصویر می‌کشد. بسیاری از

قربانیان غیرنظامی و گروهی نه در میدان جنگ و درگیری، بلکه توسط احزاب و گروه‌ها ترور شده‌اند. نام تعداد زیادی از روحانیون سنی‌مذهب را می‌توان در این میان جست. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد شمار زیاد قربانیان سنی‌مذهب مناطق گردنشین نسبت به قربانیان شیعه‌مذهب همان مناطق است. از آنجا که درگیری‌های اوایل انقلاب تنها در آن بخش‌هایی از مناطق گردنشین که اکثریت آنها سنی هستند رخ داده بود، تلفات این مناطق بیشتر از مناطق شیعه‌نشین کرد است.

جدول شماره ۲: آمار تفکیکی شهدای دارای پرونده در بنیاد شهید به تفکیک علت شهادت، استان آذربایجان غربی

نام شهرستان	شهدای جنگ	شهدای ناشی از درگیری با گروه‌های مسلح	جمع
ارومیه	۱۶۷۹	۸۰۲	۲۴۸۱
بوکان	۸۹	۱۶۸	۲۵۷
پیرانشهر	۲۴۷	۱۳۶	۳۸۳
تکاب	۱۴۷	۱۶۳	۳۱۰
خوی	۷۱۲	۲۱۲	۹۲۴
سردشت	۴۸۹	۲۱۱	۷۰۰
سلماس	۴۲۹	۱۹۰	۶۱۹
شاهین دژ	۱۷۹	۲۳۲	۴۱۱
ماکو	۳۲۳	۹۶	۴۱۹
مهاباد	۲۳۵	۲۲۱	۴۵۶
میاندو آب	۴۳۴	۲۹۲	۷۲۶
نقده	۲۸۶	۳۸۴	۶۷۰
جمع	۵۲۴۹	۳۱۰۷	۸۳۵۶

جدول شماره ۳: آمار تفکیکی شهدای دارای پرونده در بنیاد شهید به تفکیک علت شهادت، استان کرمانشاه

نام شهرستان	شهدای جنگ	شهدای ناشی از درگیری با گروه‌های مسلح	جمع
کرمانشاه	۳۱۵۰	۳۷۹	۳۵۲۹
صحنه	۲۴۷	۲۲	۲۶۹
اسلام آباد	۸۰۵	۱۳۰	۹۳۵
پاوه	۳۷۹	۱۵۷	۵۳۶
جوانرود	۲۹۹	۱۳۰	۴۲۹
سرپل ذهاب	۵۹۹	۷۰	۶۶۹
سنقر	۳۳۳	۲۵	۳۵۸
کنگاور	۳۲۳	۱۴	۳۳۷
گیلانغرب	۵۰۴	۱۱	۵۱۵
کرد غرب	۲۳۵	۵۲	۲۸۷
دفتر بنیاد شهید	۱۷۱	۸	۱۷۹
جمع	۷۰۴۵	۹۹۸	۸۰۴۳

جدول شماره ۴: آمار تفکیکی شهدای دارای پرونده در بنیاد شهید به تفکیک علت شهادت، استان کردستان

نام شهرستان	شهدای جنگ	شهدای ناشی از درگیری با	جمع
-------------	-----------	-------------------------	-----

	گروه‌های مسلح		
سنندج	۵۹۳	۵۵۸	۱۱۵۱
کامیاران	۱۵۸	۱۹۳	۳۵۱
دیواندره	۸۰	۹۷	۱۷۷
بانه	۴۳۷	۱۵۶	۵۹۳
بیجار	۲۰۲	۱۱۸	۳۲۰
سقز	۲۲۱	۲۲۳	۴۴۴
قروه	۳۰۴	۱۲۶	۴۳۰
مریوان	۵۸۷	۳۳۱	۹۱۸
جمع	۲۵۸۲	۱۸۰۲	۴۳۸۴

نمودار ۲ آمار تفکیکی تلفات نیروهای دولتی و بومی منطقه در استان‌های چهارگانه مورد بررسی را نمایش می‌دهد:

نمودار ۲: فراوانی شهدای ثبت‌شده اهل منطقه در بنیاد شهید به‌عنوان شهید

بر اثر درگیری با نیروهای مسلح مستقر در استان‌های چهارگانه

یکی از کاستی‌های آمار ارائه شده در این مقاله نامشخص بودن میزان تلفات نیروی نظامی و غیرنظامی به صورت تفکیکی است. نامشخص بودن گروه سنی، میزان سواد، محل سکونت اعم از شهری یا روستایی و نیز کشته شدن در میدان نبرد یا به وسیله ترور از دیگر کاستی‌های آمار ارائه شده است.

۳. تلفات گروه‌های فعال در مناطق کردنشین

آنچه تاکنون بحث شد، تلفات انسانی نیروهای دولتی و مردم غیرنظامی مناطق مورد اشاره است. سوی دیگر مسئله، تلفات گروه‌های کرد و غیرکرد مستقر در منطقه است که باید به‌عنوان خسارت‌های انسانی این حوزه مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه تاکنون گروه‌هایی چون کومله، پیکار، اشرف دهقانی، چریک‌های فدایی اقلیت، اتحادیه کمونیست‌ها، سازمان رنجبران، خبات و دیگر احزاب کمونیست و چپ کمتر آماري از میزان تلفاتشان منتشر کرده‌اند. [۱۱] یکی از

فعالترین گروه‌های حاضر در کردستان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب حزب دموکرات کردستان بود. این حزب در کتابی اقدام به انتشار آمار تلفات نیروهای خود در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ نموده است. در این کتاب گفته شده در دوران ۱۰ ساله، ۳۳۵۷ نفر از کادرها و نیروهای این حزب در کردستان بر اثر درگیری‌های نظامی، اعدام یا سایر حوادث طبیعی کشته شده یا فوت کرده‌اند. ۱۰۰۴ نفر از این گروه متأهل و مابقی مجرد بوده‌اند. این حزب ۲۷۰ نفر از این تلفات را اعدامی گزارش کرده است. براساس گزارش این کتاب اکثر قریب به اتفاق کشته‌شدگان (به‌جز چند تن) اهل شهرستان‌های سنی‌کردنشین بوده‌اند. البته در این کتاب مشخص نشده که چه میزان از این افراد در درگیری با نیروهای دولتی و چه تعداد در درگیری با سایر احزاب رقیب مستقر در منطقه کشته شده‌اند، چه تعداد اهل شهر یا روستا بوده‌اند و نیز میزان سواد این افراد در چه حدودی قرار داشته است.

جدول شماره ۵: تفکیک کشته‌شدگان حزب دموکرات کردستان در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸

سال	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	جمع
	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	
تعداد	۱۰	۴۳	۴۱	۵۰	۶۳	۴۴	۳۸	۱۶	۹۶	۱۰	۷۵	۳۳
	۰	۳	۹	۲	۷	۶	۵	۵		۰		۵۷

آمار دیگری که در سایت یکی از شعبه‌های حزب دموکرات کردستان منتشر شده با درج مشخصات ۳۲۰۱ نفر به معرفی جانب‌باختگان این گروه اقدام کرده است. [۱۲]

در نمودار شماره ۳ مشاهده می‌شود که بیشترین تلفات حزب دموکرات در سال ۱۳۶۲ روی داده است:

نمودار شماره ۳: تلفات حزب دموکرات کردستان در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸

یکی از شعبه‌های حزب کومله یعنی کومله علیزاده (حزب کمونیست ایران) هم در یکی از تارنماهای این حزب به انتشار مشخصات کشته‌شدگان کومله پرداخته است. در این تارنما مشخصات ۱۷۷۴ نفر به‌عنوان پیشمرگه این حزب و با‌عنوان جانب‌باختگان کومله منتشر شده است. [۱۳] دیگر احزاب مستقر در منطقه همچون پیکار [۱۴] و چریک‌های فدایی خلق [۱۵] اقلیت شاخه کردستان، هر چند شمار کشته‌شدگان خود را منتشر کرده‌اند، اما مشخص نیست از این آمارها چه تعداد در حوزه گردن‌نشین و چه تعداد در سایر نقاط کشور کشته شده‌اند.

در خصوص آمارهای حزب دموکرات و کومله (آن بخش که در این مقاله مورد توجه قرار گرفت) نیز چند نکته وجود دارد. از سویی در این آمارها هر نوع فوتی چه مرگ طبیعی، غرق‌شدن در آب و سیلاب، زمین لرزه، مسمومیت، تصادف، ترور و اعدام و درگیری در ذیل آمارهای جانب‌باختگان تعریف شده است. همچنین نام افرادی که در دوران رژیم پیشین فوت

شده در آمارهای حزب دموکرات درج شده است. آمدن نام تلفات ناشی از درگیری میان گروه‌ها و احزاب مستقر در منطقه در این آمارها نیز بر این ابهام افزوده است.

به هر حال افراد بسیاری از نیروها و یا هواداران این احزاب در منطقه، در میدان درگیری و یا بعد از دستگیری کشته شدند که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از آنها از اهالی مناطق کردنشین بودند، به این ترتیب این آمار را هم باید به ارقام فوق افزود. برخی تندرهای اولیه و بویژه عملکرد دادگاه‌های انقلاب به ریاست شیخ صادق خلخالی در آن روزهای پرتلاطم نیز که منجر به صدور احکام بسیار سنگینی برای هواداران و یا مظنونان هواداری این گروه‌ها شد را باید در نظر گرفت؛ تندی و شدت احکامی که حتی مورد اعتراض نماینده رهبری در منطقه قرار گرفت [۱۶] تا جایی که شیخ حسین کرمانی نماینده ویژه رهبری در منطقه در تماسی با حاج احمد آقا فرزند آیت‌الله خمینی می‌گوید: آقای شیخ صادق خلخالی آمده همدان و فردا می‌خواهد بیاید سنندج، محض رضای خدا نگذارید ایشان [شیخ صادق خلخالی] بیاید. [۱۷] شیخ حسین کرمانی می‌گوید: وقتی شیخ صادق خلخالی به سنندج رسید، خبر آمد که تعدادی را وسط فرودگاه اعدام کرده است. [۱۸]

در ماجرای پاره نیز شیخ صادق خلخالی با شدت عمل وارد شد. در روزنامه اطلاعات در این باره چنین گزارش شد: آیت‌الله خلخالی حاکم شرع که به اتفاق همراهان روز گذشته در پی حوادث پاره وارد آن شهرستان شد، پیش از ظهر امروز، حکم اعدام ۹ تن از اعضای حزب دموکرات کردستان را صادر کردند که این حکم بلافاصله به مرحله اجرا در آمد. بی‌سیم ستاد عملیاتی پاره در این باره گزارش داد که آقای خلخالی پس از ورود به پاره از کلیه نقاط خسارت‌دیده شهر از جمله بیمارستان پاره که توسط مهاجمین به وضع دلخراشی تخریب شده بود، بازدید کرد و سپس به بررسی پرونده مجرمین حادثه پاره پرداخت و پس از ۱۴ ساعت رسیدگی و شور، نه‌تن از افراد حزب دموکرات کردستان را مفسد فی‌الارض، محارب با خدا و رسول خدا شناخته و محکوم به اعدام کرد. حکم اعدام ساعت ۶ بامداد امروز در همان مکانی که مجاهدان و پاسداران شهید شده بودند به اجرا درآمد. [۱۹] در سقز، مریوان و دیگر نقاط نیز روش شیخ صادق خلخالی ادامه داشت. [۲۰] البته اعدام در آن دوران روش فراگیری بود و گروه‌های مسلح حاضر در منطقه نیز چنین روشی را با برخی از اسرای خود اجرا کردند هرچند نسبت و شمار این اعدام‌ها هنوز نامعلوم است. برای نمونه در جایی از اسناد مطبوعاتی این احزاب می‌خوانیم: «چهار تن از مزدوران حکومت رژیم که در جنایات مختلف شرکت مستقیم داشته و پس از دستگیری نیز علی‌رغم تلاش پیشمرگان، غیرقابل اصلاح تشخیص داده شدند به اعدام انقلابی محکوم گردیدند. [۲۱]» همچنین در نمونه دیگری آمده است: «در عملیات سال گذشته، پیشمرگان فدایی تعداد ۲۴ نفر از نیروهای رژیم را به اسارت گرفتند... این شخص و هشت نفر دیگر از مزدوران رژیم در چند نوبت اعدام انقلابی شدند. [۲۲]» به هر حال تعداد زیادی از قربانیان که عضو این احزاب بودند از شهروندان مناطق غرب کشور بودند و در جریان درگیری‌ها یا حوادث پس از آن کشته شدند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که بر مبنای آمارهای در دسترس این مقاله تعداد کل تلفات نیروهای دولتی در حوزه کردنشین و در مقابله با احزاب حدود ۱۱۴۶۶ بوده است که ۵۹۶۲ نفر آن ساکن چهار استان کردنشین غرب کشور بوده‌اند. آمار تلفات نیروهای احزاب

هم حدود پنج تا شش هزار نفر بوده است. به این ترتیب مشخص می شود که تلفات نیروهای دولتی حدود دو برابر تلفات احزاب بوده است. ضمن آنکه تلفات نیروهای بومی مقابل احزاب هم تقریباً با تلفات احزاب در منطقه برابری می کند. البته ممکن است با تکمیل این آمار این نسبت تغییر کند.

۴. تلفات ناشی از زدوخورد بین خود احزاب مستقر در منطقه

آمار دیگری که باید بدان پرداخت تلفاتی است که در جریان رقابت و درگیری های احزاب مستقر در منطقه با یکدیگر - و نه با نیروهای دولتی - وارد شد. پاکسازی منطقه از دیگر احزاب رقیب، تسویه حساب های حزبی و یا درون حزبی و رقابت های سیاسی، موجب درگیری های خونین احزاب مستقر در منطقه با یکدیگر شد. هنوز آمار دقیقی از تلفاتی که این گروه ها بر یکدیگر وارد کردند در دست نیست. مهمترین این درگیری ها رویارویی چهارساله حزب دموکرات کردستان و حزب کومله است. در این رویارویی صدها تن از نیروهای دوطرف کشته و زخمی شدند. گاهی برخی از ابعاد این درگیری ها منتشر شده است. [۲۳] البته تاکنون هیچ مطالعه مستقلی در این خصوص صورت نگرفته است.

علاوه بر درگیری های میان کومله و دموکرات، درگیری کومله و دیگر نیروهای چپ با حزب سپاه رزگاری که مرکب از دروایش طرفدار شیخ عثمان نقشبندی بود را نیز باید بر این فهرست افزود. در این درگیری ها صدها تن از طرفین و بویژه نیروهای رزگاری کشته و زخمی شدند و درگیری ها تا نابودی کامل رزگاری پیش رفت. کومله و چریک های اقلیت بیشترین حملات را به سپاه رزگاری داشتند. در اطلاعیه ای از کومله در آن روزها می خوانیم: هم میهنان مبارز همان طور که می دانید عصر روز ۹ بهمن ماه (۱۳۵۸) پیشمرگان کومله در کامیاران، سنندج، مریوان و اطراف آن مزدوران رژیم فاشیستی بعث به نام «سپاه رزگاری» را تارومار کردند، عده ای از رهبران آن را دستگیر و بخش اعظم سازمان آنها را متلاشی کردند... هم میهنان مبارز... جنبش مقاومت خلق کرد که جنبشی است عادلانه، اصیل، دموکراتیک و عمیقاً ضد امپریالیستی به هیچ وجه نمی توانست اجازه دهد که مشیت ناچیز مزدوران رزگاری لکه ای به دامن مبارزات بر حق خلق کرد باقی بگذارد. در اجرای همین تمایل و اراده توده های خلق بود که سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان «کومله» تصمیم گرفت این زائد بعث را جارو کند و کماکان در جهت پاکیزگی و اصالت جنبش قدم بردارد... همه می دانند که رهبران مزدور سپاه رزگاری از عوامل رژیم شاه بوده و بعد هم خود را به بعثی های فاشیست و وابسته فروخته بودند. [۲۴]

درگیری میان حزب دموکرات با چریک های فدایی و یا میان آنها و حزب پیکار هم بی تلفات نبود. [۲۵] ترور هواداران مرحوم کاک احمد مفتی زاده را هم باید بر این فهرست افزود. طرفداران و نزدیکان کاک احمد مفتی زاده که گرایش مذهبی داشتند توسط همه گروه ها از جمله دموکرات، کومله، فدایی، پیکار، رزمندگان و کمونیست ها و... مورد سوء قصد قرار می گرفتند. قربانی شدن دروایش و روحانیان سنی مذهب توسط احزاب چپ تلفاتی را نیز باید بر این فهرست افزود: علاوه بر این، باید تلفات درگیری درونی میان اعضای احزاب مستقر در مناطق کردنشین با یکدیگر را بر این آمارهای نامشخص افزود. برای نمونه می توان به درگیری خونین ۲۴/۱/۱۹۸۶ [۴ بهمن ۱۳۶۴] میان اعضای چریک های فدایی خلق (اقلیت) با یکدیگر

اشاره کرد که پنج کشته و شش زخمی در پی داشت. [۲۶]

در این درگیری‌های سنگین افراد دیگری نیز قربانی شدند که وابسته به هیچ جریانی، حکومتی یا غیرحکومتی، نبودند و بر اثر حوادث روزگار و به صورت تصادفی و یا به اشتباه قربانی شدند. آمار این افراد در خلال هیچ یک از آمارهای فوق نگنجیده است. ضمن آن که میزان تلفات آنها نیز هیچ‌گاه روشن نشد و ابعاد آن هویدا نگردید.

جمع‌بندی

درگیری‌های پس از انقلاب و نیز جنگ تحمیلی تلفات سنگینی بر مناطق گردنشین کشور وارد ساخت. هزاران نفر کشته، زخمی و بی‌خانمان شدند. همچنین خسارت‌های سنگین اقتصادی و عمرانی بخشی دیگر از هزینه‌هایی است که متوجه مردم این مناطق شد. ناامنی و بی‌ثباتی ناشی از جنگ و درگیری‌ها روند توسعه این مناطق را سال‌ها به تأخیر انداخت. در این میان تلفات سنگین انسانی بیشترین جراحت را بر وجدان عمومی منطقه وارد کرد. جمع زیادی از مردم ایران و بویژه مردم چهار استان یاد شده که عموماً شامل جوانان بودند، در این درگیری‌ها و صف‌آرایی‌های سیاسی و نظامی قربانی شدند. به قول روانشاد داریوش فروهر هر قطره خونی که از طرف‌های مختلف این درگیری‌ها بر زمین جاری می‌شد، خون ایرانی بود و ما در برابرش مسئول! و این خون بر پیکر جامعه‌مان زخمی و جراحتی وارد می‌ساخت. در این ایام زخم‌هایی سخت بر پیکر مناطق گردنشین غرب کشور بویژه حوزه سنی‌نشین این مناطق وارد شد.

پس از گذشت سی‌سال حتی برای شناسایی این واقعیت چه گام‌هایی برای التیام زخم‌هایی که بر مناطق گردنشین غرب کشور وارد شد، برداشته شده است؟ به حال خود رهاکردن ضایعاتی از این دست، به صورت نوعی خوش‌خیالی بر این فرض که گذشته‌ها گذشته، جز دعوت به مشکلات بیشتر در مراحل بعد هیچ نتیجه‌ای نداشته و ندارد. در درجه اول این ضایعات و تلفات را باید مورد شناسایی قرار داد، به بحث گذاشت و آنگاه این پرسش را طرح کرد که آیا برای التیام این زخم‌ها و جراحت‌ها تدبیرهای لازم اندیشیده شد؟ آیا برای تعمیق همبستگی اجتماعی، شتاب‌گرفتن روند توسعه اقتصادی و اجتماعی و افزایش مشارکت سیاسی مردم این مناطق، برنامه‌ای جامع و آینده‌نگر تدوین شد؟ آیا استفاده از ظرفیت‌های توسعه‌ای متنوع این مناطق به صورت کارشناسانه در دستور کار برنامه‌ریزان و مجریان کشور قرار گرفت؟ آیا تقویت استفاده از نخبگان این مناطق برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای منطقه و کشور در اولویت قرار داشت؟ آیا گروه‌هایی که با اتخاذ روش‌های خشونت‌آمیز و مسلحانه در پی به کرسی‌نشاندن دیدگاه‌های سیاسی خود بودند به جمع‌بندی و انتقاد از خود رسیده‌اند و میزان خسارت انسانی و مادی این شیوه مبارزه را سنجیده‌اند؟

مختصر مروری بر آنچه به نحوی گذرا در این بررسی ارائه شد خود بیانگر آن است که حوادث و رخداد‌های حوزه‌های گردنشین غرب کشور به‌هیچ‌وجه تاب‌مقید و محدود شدن به تعاریف و تصاویر جزمی و سیاه و سفید را ندارد به کل آن حوزه همانند پاره‌ای دیگر از حوزه‌های مشابه در دیگر نقاط کشور - تنها با شدت و ضعفی متفاوت - نابسامانی‌هایی را تجربه کرد به مراتب فراتر از چیزی که آن را بتوان به دو مقوله ظالم و مظلومی تقسیم کرد؛

برخی از آنها از لحاظ مسئولیت دولتی یا سیاسی اجتناب‌ناپذیر بود، مانند آثار حاصل از تجاوز عراق و برخی نیز می‌توانست چنان‌که پیش آمد نباشد. از مقوله نخست که بگذریم، دست‌کم برای جلوگیری از «آنچه پیش آمد» شاید بتوان به طرح و بحث هر چه گسترده‌تر مضامین و بحث‌هایی از این دست امیدوار بود که هم مستلزم نوعی بازنگری در گذشته است و هم - به امید خدا - نوعی تأمل و اندیشه نسبت به آینده و جلوگیری از تکرار مکرر اشتباه و خطا.

بی‌گمان برای رسیدن به وضع مطلوب در این‌باره و التیام و درمان زخم‌های کاری و عمیقی که بر پیکر این مناطق وارد شد، تلاشی ملی و اراده‌ای جدی و برنامه‌ای کارشناسانه و پیچیده لازم است؛ امری که نه‌تنها به صورت شایسته تاکنون در دستور کار نهادهای ذیربط دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالان سیاسی قرار نداشته است، بلکه در سال‌های اخیر برای آنها، موانع متعددی خلق شده و روند مشارکت سیاسی مردم این مناطق را همچون دیگر مناطق کشور با موانع جدی روبه‌رو ساخته است.

*پژوهشگر مطالعات قومی

پی‌نوشت:

۱- برای اطلاع بیشتر بنگرید به:

- ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، انتشارات سمت، ویرایش اول، چاپ نهم.

- بوتول، کاستون (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

- آقاپور، مهدی (۱۳۶۸)، پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی جنگ، تهران، جهاد دانشگاهی، چاپ اول.

۲- البته برای تکمیل و تدقیق این آمارها، مراجعه حضوری نگارنده این سطور در ماه‌های اخیر به بنیادشهید بی‌نتیجه بوده، از این‌رو از همان آمارهایی استفاده می‌شود که در سال ۱۳۸۱ منتشر شدند.

۳- روزنامه همشهری پنج‌شنبه ۳ مهر ۱۳۸۲، سال یازدهم، شماره ۳۱۷۶، صفحه اجتماعی.

۴- <http://alborz.sajed.ir/data-center-of-martyrs/401.html>

۵- درخصوص تاریخ جنگ آثار متعددی در ایران نوشته شده است. از آنجا که اسناد این حوزه انحصاراً در اختیار نیروهای نظامی همچون سپاه و ارتش است دسترسی به این منابع

با اهمیت برای پژوهشگران مستقل به راحتی میسر نیست. البته در این باره برخی منابع با اهمیت توسط این نهادها منتشر شده که می‌توان به دو نمونه از آن اشاره کرد:

- نخعی، هادی و حسن یکتا (۱۳۷۵)، روزشمار جنگ ایران و عراق - زمینه‌سازی، جلد اول بحران‌های داخلی و تولد نیروهای مسلح انقلاب، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران.

- یکتا، حسن (۱۳۷۵)، روزشمار جنگ ایران و عراق - زمینه‌سازی، جلد دوم بحران در خوزستان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران.

۶- یکی از روایت‌های ساده شده و خواندنی این رویدادها را در سطح محلی و منحصر به حوزه سردشت می‌توان در کتاب زیر خواند:

- شمامی، رحمان (۱۳۸۶)، سردشت در گذرگاه انقلاب، ناشر مؤلف.

همچنین روایتی دیگر از درگیری‌های نظامی در بخش‌هایی از استان کردستان را می‌توان در اثر زیر جست‌وجو کرد:

- یوسف زاده، حبیب (۱۳۸۷)، شب‌های کمین، خاطرات سردار حسن رستگارپناه، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

یک روایت هم از نیروهای کرد محلی که در برابر نیروهای چپ و قوم‌گرا مقاومت کردند را می‌توان در اثر زیر دنبال کرد:

فرجی، محمد فائق (۱۳۸۵)، روزهای سبز کردستان خاطرات جمعی از پیشمرگان مسلمان کرد، جلد اول، نشر صریر.

روایت نیروهای ارتشی از ورود به شهر سنندج در اثر زیر قابل دسترسی است:

صیادشیرازی و هم‌زمان (۱۳۷۸)، عملیات آزادسازی سنندج و گردنه صلوات‌آباد، اردیبهشت ۱۳۵۹، انتشارات ایران سبز.

روایت درونی حزب دموکرات کردستان ایران را می‌توان در آثار زیر دید:

بلوریان غنی (۱۳۸۲)، برگ سبز خاطرات غنی بلوریان از رهبران حزب دموکرات کردستان، ترجمه رضا خیری‌مطلق، مؤسسه انتشاراتی رسا.

۷- در این‌باره می‌توان به آثاری همچون کتاب زیر که در خارج از کشور منتشر شده توجه کرد:

فاجعه اورامان، منتخبی از گفتارهای رادیو صدای انقلاب ایران (از ۲۹ آبان تا ۹ آذرماه ۱۳۶۳) درباره رویداد اورامان (۱)، در این اثر ماجرای حمله حزب دموکرات به نیروهای کومله

در شهر نوسود و روستای شویشه مورد بحث قرار گرفته است. البته این کتاب روایت کومله و کمونیست‌ها از ماجراست و روایت حزب دموکرات را باید در آثار دیگری جست. در این روایت در یکی از درگیری‌ها سه نفر از نیروهای کومله کشته و ۱۰ تن به اسارت نیروهای دموکرات در می‌آیند که هر ۱۰ تن اسیر توسط نیروهای حزب دموکرات کشته می‌شوند. جنگ این دو حزب تا سال ۱۳۶۷ استمرار داشت. روایت طرف مقابل یعنی حزب دموکرات کردستان در این باره را از زبان عبدالله قادری می‌توان در مصاحبه نشریه پژواک با نامبرده در بهمن ماه ۱۳۶۵ خواند.

۸- این آمار لزوماً آمار دقیق شهدا را مشخص نمی‌سازد، چرا که بخشی از قربانیان ممکن است تا این سال به هر دلیل برای آنها پرونده گشوده نشده باشد. ضمن آن که بخشی نیز بعد از این تاریخ، و بر اثر جراحتهای ناشی از آن درگیری‌ها فوت کرده و در سالهای بعد برای آنها پرونده گشوده شده است، از این رو به نظر می‌رسد این آمار و آمارهای بعدی معرف میزان دقیق قربانیان این درگیری‌ها نباشد. متأسفانه در سالهای اخیر دسترسی به این قبیل آمارها و داده‌ها به‌منزله عبور از هفتخوان رستم است.

۹- برخی به اشتباه تاریخ شروع درگیری‌ها را به تابستان سال بعد یعنی مرداد ۱۳۵۸ باز می‌گردانند.

۱۰- صدای سربداران اتحادیه کمونیست‌های ایران (کومله) در «بر کردستان چه گذشت به مناسبت دهمین سالگرد یورش ارتجاعی ۲۸ مرداد ۱۳۵۸» صفحه ۷ در این باره می‌نویسد: روز ۲۹ بهمن، مردم قهرمان مهاباد به همراه نیروهای انقلابی و جوانان کمونیست به پادگان مشرف به شهر حمله بردند و در نبردی حماسی آن را تسخیر کردند. سلاح‌های سبک و سنگین بی‌شمار به دست مردم و جریان‌های سیاسی افتاد. حکومت جدید این اقدام انقلابی را به‌عنوان غارت بیت‌المال مسلمین و اموال دولت محکوم کرد و خواهان بازگرداندن اسلحه‌ها و خلع سلاح مردم شد. مردم مهاباد از شنیدن این اخبار چندان دلگیر نبودند...

روایت یکی از فرماندهان ارتش نیز از بعدی دیگر خواندنی است:

سرابندی، محمدرضا (۱۳۸۲)، خاطرات سرهنگ کتیبه، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۱- در سال ۱۳۶۸ حزب دموکرات کردستان کتابی با نام اسامی شهدای حزب دموکرات کردستان ایران، ۶۸-۵۸ منتشر کرده است.

۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ - سایت اینترنتی.

متأسفانه آماری از میزان احکام محکومان به اعدام توسط شیخ صادق خلخالی در دسترس نیست. ۱۶-

۱۷- گفت‌وگوی نگارنده این سطور با حاج‌شیخ حسین کرمانی در ویژه‌نامه چشم‌انداز ایران «کردستان همیشه قابل کشف ۲»، پاییز ۱۳۸۴، ص ۸،

۱۸- پیشین.

۱۹- اطلاعات، ۳۰/۵، ۱۳۵۸،

۲۰- در این باره یعنی حضور شیخ صادق خلخالی در کردستان باید به صورت مستقل به بحث و بررسی پرداخت.

۲۱- ریگای گل، صفحه ۴۰ دوره جدید شماره ۱ آذرماه ۱۳۶۱، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق شاخه کردستان.

۲۲- ریگای گل، صفحه ۴۰ دوره جدید شماره ۴ اسفند ماه ۱۳۶۱ صفحه ۱۱، همچنین برای نمونه دیگری از این اعدام‌ها می‌توان به نشریات کومله و دموکرات رجوع کرد، از جمله اطلاعیه دفتر نمایندگی حزب کمونیست ایران - کومله - ر خارج از کشور، جمعه ۳۰ اکتبر ۱۹۸۷ برابر با ۸ آبان ۱۳۶۶، شماره ۱۵۷، ص ۱۰،

۲۳- فاجعه اورامان، منتخبی از گفتارهای رادیو صدای انقلاب ایران (از ۲۹ آبان تا ۹ آذرماه ۱۳۶۳) درباره رویداد اورامان (۱).

۲۴- اطلاعیه ۱۱/۱۱/۱۳۵۸ کومله با عنوان حوادث کردستان.

۲۵- برای نمونه در نتیجه حمله حزب دموکرات کردستان به مقر پیکار شعبه کردستان در شهر بوکان در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۵۹، تعدادی کشته و زخمی شدند و افرادی چون محمود ابلاغیان، طاهر ابراهیمی و باقر خیاطی از اعضای پیکار در این حمله کشته شدند.

۲۶- برای حل و فصل این درگیری درون‌حزبی هیأتی مرکب از نمایندگان اتحادیه میهنی کردستان عراق مأمور میانجیگری شد. این هیأت در ۱۰ فوریه ۱۹۸۶ (معادل با ۳ بهمن ۱۳۶۴) نتیجه میانجیگری و حقیقت‌یابی خود را منتشر کرد. در بخشی از این گزارش آمده است: حقیقتاً جای بسی تأسف و تأثر است که نیروهایی که خود خواهان دموکراسی، استقلال و آزادی برای دیگران هستند و مخالف انحصارطلبی و حل اختلاف‌های موجود بین نیروهای سیاسی دیگر به شیوه قهرآمیز می‌باشند، در داخل سازمان خود اصول دموکراسی را لگدمال کرده و برای حل مشکلات درون سازمانی خود راه حل سیاسی را کنار می‌گذارند و به جای چاره‌جویی مسالمت‌آمیز اقدام به کشتن هم‌دیگر می‌نمایند.

نقل از چشم انداز ایران ۷۴